

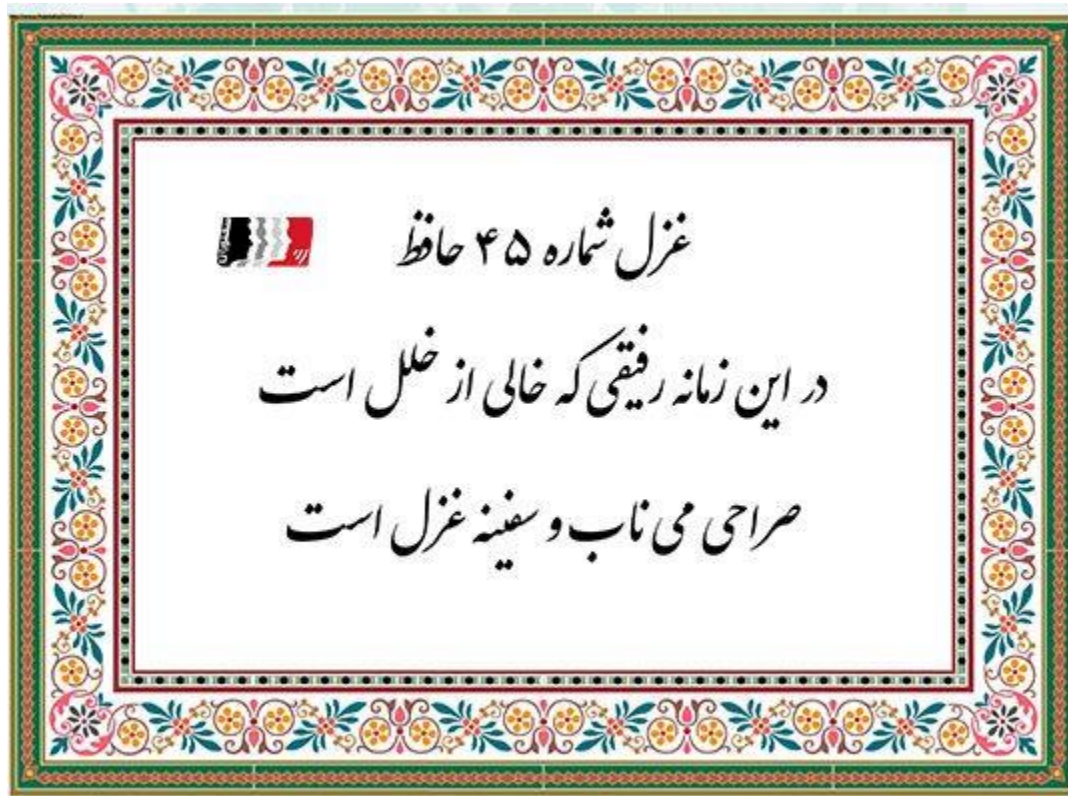
متن، معنی، شرح و تفسیر غزل شماره ۴۵ حافظ

در این زمانه رفیقی که خالی از خلل است
صراحی می ناب و سفینه غزل است

غزل ۴۵ حافظ با در این زمانه رفیقی که خالی از خلل است آغاز می شود. وزن غزل در این زمانه رفیقی ، مفاعله مفاعله مفاعله مفاعله (مجتث مثنی مخبون محذوف) می باشد. در ادامه می توانید متن کامل غزل و همچنین معنی لغات و شرح و تفسیر ابیات را مشاهده کنید.

آنچه در ادامه می خوانید:

- ۱- متن غزل
- ۲- شرح و تفسیر غزل
- ۳- معنی لغات



متن غزل ۴۵ حافظ

در این زمانه رفیقی که خالی از خلل است

صُراحی می ناب و سفینه غزل است

جریده رو که گذرگاهِ عافیت تُنگ است

پیاله گیر که عمرِ عزیز، بی بدل است

نه من ز بی عملی در جهان ملولم و بس

مَلالتِ علما هم زِ علمِ بی عمل است

به چشمِ عقل در این رهگذارِ پر آشوب

جهان و کارِ جهان، بی ثبات و بی محل است

بگیر طره مه طلعتی و قصه مخوان

که سعد و نحس ز تاثیرِ زهره و زحل است

دلم امید فراوان به وصلِ روی تو داشت

ولی اجل به ره عمر، رهزنِ امل است

به هیچ دور نخواهند یافت هشیارش

چنین که حافظِ ما مستِ باده ازل است

شرح و تفسیر غزل ۴۵ حافظ

در این زمانه رفیقی که خالی از خلل است

صُراحی می ناب و سفینه غزل است

رفیق: [ر] . یار، همراه، همنشین

خَلل: [خ ل] . پراکندگی در رای، تفرق . خطا، گناه . تباهی، فساد. نکته آنکه خَلل . [خ ل] به معنای آنچه در میان دندانها ماند است.

صُراحی می: جام شراب

ناب: خالص، صاف، زلال

سفینه غزل: دفتر غزل. سفینه به معنای کتابی که در آن مطالب مختلف خصوصاً اشعار جمع شده باشد
معنی بیت: در این زمانه تنها رفیق یکرنگ و یکرو، جام شراب ناب و دیوان شعر و غزل است.

جَریده رو که گذرگاهِ عافیتِ تَنگ است
پیاله گیر که عمرِ عزیز، بی بَدَل است

جریده [ج د / د / د] تنها. تنها و فرد را گویند. اینجا مراد سبکبار و فارغ از تعلقات است

گذرگاه عافیت: عافیت به معنای صحت، سلامت و تندرستی است اینجا به معنای تقوا و پرهیزکاری است. منظور از گذرگاه عافیت
تنگ است یعنی روش زهد و پرهیزکاری سخت و دشوار است. البته گذرگاه عافیت کنایه از عمر دنیا هم می تواند باشد.

تنگ: [ت] دشوار، سخت. زمان کم

پیاله: مراد پیاله شراب است

بی بَدَل: بینظیر، یکتا

معنی بیت: معنی ۱: سبکبار و رها و آزاد باش و میگزاری و شادی کن که عمر دنیا کوتاه است و دیگر بر نمی گردد. معنی ۲:
سبکبار و فارغ از تعلقات دنیا باش و رندانه و عاشقانه با می و میگزاری زندگی کن و در لحظه خوش باش که روش زهد و پارسایی
بسیار سخت و دشوار است و عمر عزیز وقتی از دست رفت دیگر بر نمی گردد.

نه من ز بی عملی در جهان مَلوَم و بس
مَلالَتِ عُلَمَا هم زِ عِلْمِ بی عمل است

عمل: کار، کنایه از کارنیک

ملول: [م] به ستوه آمده. افکار و مانده. آزرده و بیزار. سست و ناتوان. دلگیر. دلتنگ. اندوهگین. غمگین

ملالت: [م ل] سیرآمدگی. تنگدلی. بیزاری

عُلَمَا: دانشمندان، کنایه از علمای دینی

معنی بیت: نه فقط من به خاطر کارهایی که باید انجام می دادم و ندادم افسرده و ناراحت هستم که افسردگی و غم و اندوه علمای دین هم به دلیل آن است که به آنچه علم داشتند و گفتند باور نداشتند و چون به خلوت رفتند کار دیگری انجام دادند.

به چشم عقل در این رهگذار پر آشوب
جهان و کار جهان، بی ثبات و بی محل است

پر آشوب: پر از فتنه و فساد، پر از غوغا.

رهگذار: [رَگُ] راه . کنایه از دنیا است

بی ثبات: [ثَّ] سستریا، ضعیف، لرزان، ناپایدار

بی محل: بیبجا، بی اعتبار. ناروا، نابجا

معنی بیت: اگر به چشم عقل و دیده عبرت بنگری، دنیا ارزشی ندارد که هر چه در آن است فانی و میرا است.

بگیر طره مه طلعتی و قصه مخوان
که سعد و نحس ز تاثیر زهره و زحل است

طلعت: [طَ عَ] روی، وجه، صورت . در بسیاری نسخه ها به جای مه طلعت، مه چهره آمده است.

بگیر طره مه طلعتی: بگیر طره مه چهره ای یا مه طلعتی یعنی به یک معشوقه زیبا تعلق خاطری پیدا کن

سعد: [سَ] . همایون. مبارک، شگون، خجستگی

نحس: [نَ] . نافرجام، بدشگون

زهره: [زُ رَ / رِ] . خنیاگر فلک . مطربه ُ فلک. ستاره ای است معروف که آن را ناهید خوانند و در عربی به آن ناهید می گویند. نشانه شگون و یمن و برکت است.

زحل: [زُ حَ] نام فارسی آن کیوان است و ستاره فلک هفتم و نشانه بدیمنی و بدشگونی بزرگ است.

معنی بیت: عاشق یار و دلبر ماهرخی شو و از خوش یمنی زهره و نحسی و بدشگونی زحل و از این جنس حرف های لغو و بیهوده نزن.

دلَمِ اَمیدِ فَرَاوانِ بَه وَصَلِ رُویِ تُو دَاشت
وَلیِ اَجَلِ بَه رَه عُمُر، رَهْزَنِ اَمَلِ اسْت

وصل: [و]. رسیدن به محبوب و معشوق

روی: رخ، چهره

اجل: [اَجَ]. زمان مرگ

رهزن: [رَزَ]. دزد راه و غارتگر راه و قطاع الطریق و راهزن

امل: [اَمَ]. امید، آرزو، تمنا، خواهش

معنی بیت: برای رسیدن به وصال و دیدار تو آرزوهای زیادی داشتم. ولی چه کنم که مرگ مایه نابودی و تباهی آرزوهاست.

بَه هِیچِ دَوْرُ نَخَواهندِ یَافتِ هِشِیارِش
چَنِینِ کِه حَافِظِ ما مَسْتِ بَادَهْ اَزَلِ اسْت

دور: [دَ]. وقت و زمان و هنگام و عصر و عهد

مستِ بادهِ ازل: سرمست از باده الهی است که دائمی است و موقتی نیست

معنی بیت: این چنین که حافظ سرمست از شراب ازلی خداوندی است، در هیچ زمانی او را هشیار پیدا نمی کنند. مراد آنکه مستی حافظ ازلی ابدی است.

نویسنده: دکتر زند